

طب سوزنی چیست؟

نویسنده: اریک . و . استیفواتر مترجم: علی غفوری (هومن)

طب سوزنی چیست؟

نویسنده: اریک. و. استیفواتر
مترجم: علی غفوری (هومن)

انتشارات

نسل نواندیش

استیفواتر، اریش ویلهلم، ۱۹۵۰ -
Stiefvater, Erich Wilhelm
طب سوزنی چیست؟/ نویسنده اریک و. استیفواتر؛ مترجم علی غفوری (هومن). - تهران: نسل نواندیش. ۱۳۷۸.
۶۳ ص.
ISBN 964-6714-42-0
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا. (فهرستنویسی پیش از انتشار).
عنوان اصلی: Was ist Akupunktur = What is acupuncture? How does it work?.
۱. پزشکی سوزنی. الف. غفوری، علی، ۱۳۵۵ - ، مترجم. ب. عنوان.
RM ۱۸۴ / ۲ط۵۵الف ۶۱۵/۸۹۲
۱۳۷۸
کتابخانه ملی ایران ۷۸ - ۳۷۸۳م

مشخصات کتاب

عنوان: طب سوزنی چیست؟
مؤلف: استیفواتر
مترجم: علی غفوری
ناشر: نسل نواندیش
شمارگان: ۵۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول
تاریخ چاپ: زمستان ۷۹
حروفچین و صفحه‌آرا: آزاده غضنفریان
لیتوگرافی: فیلم گرافیک
چاپ: نورتکس
صحافی: توحید
شابک: ۰-۴۲-۶۷۱۴-۹۶۴
ISBN: 964-6714-42-0

نشانی: میدان ولیعصر - اول کریمخان - پلاک ۳۱۴/۱
تلفن: ۹-۶۹۵۲۵۴۷ نسل نواندیش

فهرست

مقدمهٔ مترجم

شکر می‌کنم کردگار خویش را که هرچه دارم از اوست. اینک که کار ترجمهٔ این کتاب را با سپاس از یزدان به پایان برده‌ام، لازم می‌دانم تا نکاتی چند را برای خواننده روشن سازم تا مطالعهٔ وی بهینه شود. این کتاب کوچک و مختصر دربارهٔ طب سوزنی زیاد به فن این هنر باستانی نمی‌پردازد، بلکه بیانگر فلسفه و زمینهٔ آن می‌باشد. مطالب این کتاب برای کسانیکه می‌خواهند اطلاعاتی در زمینهٔ طب سوزنی دریافت کنند، بسیار سودمند است. معمولاً اکثر خوانندگانی که به مطالعه در چنین زمینه‌هایی می‌پردازند، دربارهٔ فلسفهٔ دنیای دوقطبی چین باستان، «ین و یانگ» چیزهایی خوانده‌اند. در این کتاب دربارهٔ ارتباط این مفهوم با بدن، بیماری‌ها و روش درمان آنها چیزهایی می‌آموزیم.

خواندن این کتاب را به تمام کسانیکه تشنهٔ آموختن در بارهٔ این خرد باستانی می‌باشند، توصیه می‌کنم، لیکن کسانیکه می‌خواهند این فن را به صورت کاربردی بیاموزند باید به استادان این فن و یا دیگر مراجع مراجعه کنند. متأسفانه کتابهای بسیار اندکی در این زمینه به فارسی ترجمه شده است. کتابی که خود می‌توانم معرفی نمایم، کتاب «کاربرد عملی طب فشاری» نوشتهٔ «جرارد اد» و ترجمهٔ مرحوم ساعد زمان

است که توسط انتشارات ققنوس منتشر گردیده. پس از خواندن کتابی که در دست دارید، متوجه خواهید شد که طب سوزنی و طب فشاری یک ریشه دارند و نقاط مخصوص آنها یکی است، از این جهت کتابی که معرفی کردم می‌تواند سودمند باشد.

در بخش‌هایی از کتاب به علم پزشکی هموئوپاتی[۱] اشاره شده‌است که دیده‌ایم ترجمهٔ معمول آن در فارسی هومیوپاتی یا همیوپاتی می‌باشد. با توجه به شکل لاتین این کلمه ترجیح دادم آن را به این شکل به نگارش درآورم. متأسفانه توضیحات کتاب در مورد این نوع روش درمانی بسیار گنگ و سطحی است بنابراین لازم دیدم که خود پیوستی به کتاب اضافه نمایم و در آن به توضیح پزشکی هموئوپاتی بپردازم. کتاب «پزشکی هومیوپاتی - کوانتوم، عرفان و درمان» اثر آقای دکتر مسعود ناصری در این زمینه یاریگر اینجانب بوده‌است.

در اینجا لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر کورش قبادی که اینجانب را در زمینهٔ ترجمهٔ اصطلاحات پزشکی یاری کرده‌اند، صمیمانه تشکر کنم.

در پایان باید اضافه کنم که اطلاعات بنده در مورد موکسا[۲] و کاربرد آن بسیار محدود است، لذا از خوانندگان محترمی که در این زمینه اطلاعاتی دارند و یا می‌توانند مراجعی را در این مورد معرفی کنند، تقاضا دارم که بنده را مرهون لطف خویش قرار داده، در جریان اطلاعات خود قرار دهند. آدرسی که بدین منظور می‌تواند مورد

۱- Homoeopathy

۲- Moxa

استفاده قرار گیرد، ایران- تهران- صندوق پستی ۱۴۵۶۵/۳۱۹ - علی غفوری، می‌باشد. با تشکر از عنایت شما.

علی غفوری (هومن)

دیباچه

هدف از این معرفی کوتاه دربارهٔ طب سوزنی، جلب توجه و دعوت به تحقیقات بیشتر می‌باشد. مسلم است که نمی‌توان پهنهٔ وسیع «طب خاوری» را در چند برگ مختصر، توصیف نمود. ما هنوز آمادگی کافی برای وصف تمامی این پهنه را نداریم.

در اینجا لازم می‌دانم یادآوری کنم که کار با طب سوزنی کاملاً با برداشتی که اروپائیان از حکمت شرق دارند، متفاوت است. چنانکه طب سوزنی نباید راهی اسرارآمیز در جهت یک آئین درمانی قلمداد شود. چیزی که در اینجا ایفای نقش می‌کند امور وهم‌آلود نیست، بلکه مهارتهای حاصل از تمرین و فهم درست یک روش درمانی می‌باشد. مسلم است که طب سوزنی، بر پایهٔ روش درمانی کهنی استوار است. اما کسانیکه تفاوت میان بهینه شدن این روشها و کاستی‌های حاصل از عدم توانایی‌های شخصی را تشخیص نمی‌دهند، نمی‌توانند در این مورد صاحب نظر باشند.

من این کتاب مختصر را به دو دلیل نوشته‌ام: اولاً همانطور که قبلاً

هم اشاره شد، می‌خواهم توجه عمومی بیشتری را به طب سوزنی متمایل کنم، دوم آنکه باور دارم بایسته است که در علم پزشکی استاندارد شدهٔ ما، توجه بیشتری به روشهای درمانی گذشتگان مبذول شود. بی‌شک دور کردن کسی از افکار مألوف وی بسیار مشکل است، ولی این دشواری عقلانی می‌تواند مفید و یا لازم باشد.

در پایان همچنین ممکن است که این کتاب باعث تصحیح اشتباهات و نظرات اغراق‌آمیزی باشد که برخاسته از گزارشهای احساسی است. طب سوزنی نه یک شفابخش مسلم است و نه یک راز تاریخی. این امکانی است از بین دیگر امکانات جهت کمک به درمان بیماریها. این سنگ بنایی است شایسته جهت بنیان‌گذاری یک هنر منحصربفرد در زمینهٔ درمان.

اریک. و. استیفواتر

هنر طب سوزنی

وقتیکه شخصی برای نخستین بار تصویری کهن از طب سوزنی می‌بیند که غرق در پیچیدگیهای خطوط و نقاطی است که در چهارچوب بدن یک انسان بدوی نقش شده‌اند، اولین احساسی که به وی دست می‌دهد، غروری است همراه با سردرگمی. بی‌اختیار تصویری از یک هنرپیشهٔ کلاسیک تماشاخانه‌های چینی به ذهن خطور می‌کند که در آن وضعیت سر تا پا چنان است که حتی می‌توان حرکت انگشتان و راستای نگاه را تشخیص داد. نه تنها دیدن تصاویر، بلکه خواندن متونی که توسط استادان خرد پزشکی مشرق زمین تنظیم شده‌اند، می‌تواند باعث دلسردی شود، چراکه نمی‌توان نکاتی راکه در این حکمت عمیق به آنها اشاره شده است، به سادگی دریافت. اما همین باعث تشویق عده‌ای می‌شود تا هرچه عمیق‌تر خود را در سیستم قابل توجه طب سوزنی غرق کنند. اندک اندک مصالح خشک، احیاء می‌شوند. پس از سالها تلاش صبورانه این اسلوب‌ها و بیانات کهن، قابل فهم می‌شوند. شخص می‌آموزد که بین اشتباهات متداول و

حقیقت ابدی تمایز قائل شود. وی پس از تمرینات بردبارانه بیشتر و بیشتر به حکمت این هنر درمانی پی می‌برد.

طب سوزنی در اروپا

مدت زیادی نیست که طب سوزنی در اروپا شناخته شده‌است. در سال ۱۶۸۳ طب سوزنی و نبض چینی توسط یک مبلغ مسیحی و دکتری از کمپانی هند شرقی، اشاعه یافت. این امر بیشتر شامل کارهای احساسی در این زمینه می‌شد. فقط از آغاز قرن حاضر بود که پزشکان اروپایی تا حدودی به شکل جدی خود را مشغول طب سوزنی کردند. اما همانطور که گفته شد، این تعداد بسیار اندک بود. در حال حاضر بنظر می‌رسد که توجه به طب سوزنی در سالهای اخیر در حال گسترش است.

دو خصلت لازم

فراگیری هنر طب سوزنی، بسیار مشکل می‌باشد. برای توضیح دقیق‌تر این موضوع باید بگوییم که این روش فقط تا نقطهٔ خاصی قابل یادگیری است. بخش اعظم پیشرفت در این هنر برمی‌گردد به توانایی ذاتی پزشک و حساسیت حس لامسهٔ وی. این دو خصلت نعماتی هستند که خداوند به انسان عطا می‌کند، همانند استعداد موسیقی و یا مجسمه‌سازی. اما اگر موهبتهای الهی هم توسط تمرین پرورش نیابند، نمی‌توان روی آنها حساب کرد.

طب سوزنی چیست؟

احتمال دارد که برداشت یک خوانندهٔ ناآشنا از طب سوزنی، احساسی ناخوشایند از سوزن و خراش باشد. در حالیکه در این روش، سوزنهایی مخصوص و مناسب در نقاطی کاملاً مشخص از بدن فرو می‌روند. در نتیجهٔ تکنیکی بخصوص (تمرین!) درد خراشهای حاصل از این سوزنها بسیار خفیف است. بارها و بارها پیش آمده‌است که بیمار از آنکه قبلاً سوزن وارد پوست او شده، غافلگیر شده چراکه تصور چیزی بسیار بدتر را داشته است. در حقیقت عامل مهم سوزن نیست، بلکه استعمال آن در منطقه‌ای کاملاً بخصوص است. بر روی سطح بدن که کار بر آن بخش اساسی طب سوزنی را تشکیل می‌دهد، بیش از ۸۰۰ نقطهٔ ویژه کشف شده‌است. این بیان باید اثری آرامبخش بر خواننده داشته باشد. او در آغاز خواهد دید که این معالجه محتاج معاینهٔ وسواسانه‌ای بر روی پوست می‌باشد. طب سوزنی، باعث می‌شود که دستان پزشک به شکل خارق‌العاده و بی‌نهایت هنرمندانه‌ای پرورش یابد. در این امر حکمت خالص مشرق زمین پنهان است. کسانیکه می‌خواهند کاملاً با این امر آشنا شوند، باید کتاب شگفت‌انگیز «ذن در هنر کمانگیری»[۱] اثر اویگن هریگل[۲] و همچنین کار درخشان گراف دورکهیم[۳] به نام «ژاپن یا فرهنگ سکوت»[۴] را مطالعه

۱– Zen in the Art of Archery

۲– Eugen Herrigel

۳– Graf Dürckheim

نمایند.[۱]

اما در تحقیقات در زمینهٔ طب سوزنی، هنوز در ابتدای راه قرار داریم. شخص در حین تحقیق بیشتر پی در پی غافلگیر خواهد شد. در این روش باستانی در زمینهٔ درمان چیزهای زیادی در مورد انسان با نظر به اصول کهن به کار بسته می‌شود. گاه قواعد پزشکی مرسوم، ما را به سمت امور کهن سوق می‌دهند. در بسیاری مواقع باید شیوهٔ تفکر خود را تغییر دهیم؛ نه آنکه دستاوردهای پیشرفتهٔ خود را نادیده بگیریم، بلکه باید دقیقاً امور کهن را فرابگیریم.

نظریهٔ نبض چینی

اجازه دهید با مشکلترین مبحث یعنی سیستم مشهور «۱۴ نبض شعاعی چینی» شروع کنیم. امروزه این روش تشخیص، حتی در مشرق زمین اسرارآمیز می‌باشد. ما در تطبیق آن با ایده‌های فیزیولوژیکی امروز، درمانده‌ایم. این عمل نیازمند حس ظریفی در قوهٔ لامسهٔ انگشتان می‌باشد. به همین دلیل این روش بسیار فردی است و بنابراین از نظر علمی غیر قابل دفاع می‌باشد. اما این روش، وجود دارد. روش نبض چینی در تشخیص بیماری دو علامت مشخصهٔ مهم دارد؛ بسیار کهن است و در عرصهٔ جغرافیایی وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱– این کتاب بوسیلهٔ آقای ع. پاشایی به فارسی برگدانیده شده و توسط انتشارات فراروان منتشر گردیده است.(م)

نبض‌ها چگونه احساس می‌شوند؟

چهارده نبض چینی - همانند نبض امروزی - در دو شریان شعاعی حس می‌شوند. برای احساس آنها یک انگشت کافی نیست، بلکه باید سه انگشت متوالی در حالی که دو یا سه فشار مختلف را وارد می‌آورند، مورد استفاده قرار گیرند. بدینسان کیفیت شش عضو مختلف توسط سه انگشتی که روی شریان شعاعی قرار گرفته‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حال این توضیح لازم است که حتی در چین باستان هم، این روش، تنها روش تشخیص نبوده است. پزشکان چینی از مشاهدهٔ وضع ظاهری مانند رخسار، رنگ و به خصوص چشمان استفاده می‌کردند. آنها پرسشهای کاوشگرانه‌ای برای بیمار مطرح می‌نمودند. همچنین از آنجا که شکم «مرکز انرژی» می‌باشد، روش تشخیص ویژه‌ای بر روی این بخش از بدن اعمال می‌کردند. به همین ترتیب پزشکان امروزی هم نباید انحصاراً از روش تشخیص نبض چینی استفاده کنند. بهتر است که این روش را در چهارچوب روشهای درمانی معمول دیگر در هنگام معاینه بگنجانند.

جوهرهٔ معاینهٔ نبض

گاهی این روش معاینهٔ نبض می‌تواند توجه ما را به اعضایی معطوف دارد که با روشهای امروزی نمی‌توان آنها را معاینه نمود. روش معاینهٔ نبض ما را به این نتیجه می‌رساند که در این روش از سیستم واکنشی بی‌نهایت ظریف سیستم گردشی استفاده می‌شود که زنده، موزون، مؤثر و غیرمنقطع است. اگر کسی از دیدگاه علمی به این

پدیده نظر کند، آن را خنده‌دار می‌یابد، اما وقتیکه همین شخص تحت فشار قرار گیرد، اغلب غرایز وی او را در موضعی خلاف این حالت تمسخر قرار می‌دهند. جوهرهٔ معاینهٔ نبض چینی این است که در این روش تلاش می‌شود با بررسی فشار و نوع نبض در زیر انگشتانی کاوشگر، کم‌کاری یا زیاده‌کاری اندام مربوطه مشخص گردد. مسلماً این روش، کاربردهای درمانی بسیار متنوعی خواهد داشت.

نبض پیرامونی معروف

در طب سوزنی روش دوم یا به عبارتی مکملی برای تشخیص از طریق نبض وجود دارد. من ترجیح می‌دهم که آن را نبض پیرامونی[۱] بنامم. این روش در چین نبض آشکار[۲] نامیده می‌شود. این نبض از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. نبض پیرامونی در نقاط مختلفی از بدن که در آنها شریان نسبتاً به سطح نزدیک می‌باشد، و در نتیجه آشکار است، مانند سر، گردن[۳]، بازوان و دستها، همچنین در زیر چین‌خوردگی کشالهٔ ران، در فضای زانو و پاها قرار گرفته است. پیداست که این رگهای خونی رابطه‌ای آشکار و شناخته شده با اعضای

۱- Peripheral Pulse ۲- revealing Pulse

۳- حساس‌ترین نبض از نظر همودینامیک Hemodynamic ، نبض و فشار شریان کاروتید Carotid در گردن می‌باشد و فشار آن در حدود ۶۰ میلیمتر جیوه است. جریان خون مغز در صورتی برقرار است که فشار این جریان بالاتر از ۵۰ باشد.(م)

داخلی دارند. اگر کسی از روش ۱۴ نبض چینی استفاده کند و سپس این روش را امتحان نماید، در خواهد یافت که تطابق و یا تکمیلی در بین این دو روش وجود دارد.

استفاده از روش نبض پیرامونی منجر به معاینهٔ نقاط زیادی از سطح بدن خواهد شد. قبلاً اشاره کرده‌ایم که این معاینه مهمترین بخش از طب سوزنی می‌باشد. فعالیت در این زمینه که تلاشی پراراده را طلب می‌کند؛ مجالی است برای رخنه به اسرار و محتوای شگفت‌انگیز و پرمعنای ناحیه‌ای بسیار کوچک از بدن و ارتباط آن با اعضایِ داخلی. اما برای تبحر کامل در این هنر، علم به اصول آن بایسته می‌باشد. لیکن تحصیل این دانش از طب سوزنی به شکل نظری بسیار دشوار است، چراکه شرح آن نیز دشوار می‌باشد.

«ین» و «یانگ»

اعتقادات کهن چین دربارهٔ فرآیند سلامتی و بیماری بدن انسان، متفاوت از آنچه که علم پزشکی امروزی می‌پندارد، می‌باشد. انسان در هماهنگی کامل با حیات پویایی که در اطرافش وجود دارد، زندگی می‌کند. اگر بخواهیم این مسأله را به شکل فرمول ساده‌ای تبدیل کنیم، می‌توان گفت: چینی‌ها انسان را تحت فرمان دو نیروی عظیم می‌دانستند، که حتی بر زمین و بهشت ما نیز حاکمیت دارند. آنها این دو نیرو را «ین» و «یانگ» می‌نامند. ین نشانهٔ تاریکی، سردی و جریانی مرطوب و رو به داخل مرکز می‌باشد. در عوض یانگ، روشنایی، گرما و تابشی خشک از مرکز و رو به سمت بیرون است. این دو نیرو در

انسان نیز فعال می‌باشند. تا وقتیکه این دو نیرو با هم برابری مـی‌کنند، انسان سالم است، اما اگر توازن یکی نسبت به دیگری بـرهـم خـورد، بیماری پدیدار می‌شود.

نقاط درمانی مورد یورش

یورش درمانی - هنر درمانگری چینی‌ها - شامل احیای هـارمونی این دو نیروی بنیادی، یا جلوگیری از بوجود آمدن اختلال در تـوازن پیش از مشاهدهٔ اولین علائم می‌باشد. بنابراین در واقع شکـلی بسـیار کهن و مهم از پیشگیری و بهداشت است. همین دیدگاه باعث می‌شد که پزشکان چینی بیشتر به ایام سلامتی بیمارانشان بپردازند تـا روزهـای بیماری آنها.

روش کاربردی

بهبود این توازن و مرمت دوبارهٔ آن در هنگام بیماری، هنری است بس مهم. بگذارید یک مثال بزنیم. امروزه اگر کسی از بیخوابـی رنـج ببرد، می‌تواند با استفاده از قرص خود را وادار به خوابیدن کـند. هـمه کس می‌داند که چنین راه علاجی ناتوان از برطرف کردن نـاهماهنگی است که سبب بیخوابی می‌شود. اساس این ناراحتی، بـدینسان از بـین نمی‌رود. شخص ممکن است که خود بوضوح تصور کند که عامل این تشویش درونی که سبب عدم توانـایی در خـوابـیدن مـی‌شود، اعـلام خطری طبیعی در مورد گسترش یک بیماری پنهانی است. ممکن است

این اعلام خطر بطور نسبی در لایه‌های ذهنی یا فیزیکی وجود، قرار گرفته باشد. ما هرگز کودکی را که به دلیل گرسنگی گریه می‌کند، مورد شماتت قرار نمی‌دهیم، اما بدون هیچ پرسشی فریاد مددخواهی بدن خود را خاموش می‌کنیم. بدن با زبان بی زبانی، به روشنی با ما صحبت می‌کند و اگر گوشی برای شنیدن یا چشمی برای دیدن وجود داشته باشد، می‌توان آن را فهمید. بیخوابی یکی از آن اعلام خطرهایی است که مکرراً از بدن به گوش می‌رسد و دلیل آن می‌تواند برای مثال درد یا خستگی، کمبود اشتها، رنگ پوست یا دیگر موارد باشد. اما بگذارید که به موضوع خود برگردیم. چگونه طب سوزنی عامل برهم‌زنندهٔ توازن را به صورت عملی از بین می‌برد؟ برای پاسخ به این پرسش، بحث در چند زمینهٔ بنیادی، ضروری بنظر می‌رسد.

یک کشف زیرکانه

اعضاء، ین و یانگ هستند

یکی از زیرکانه‌ترین ادراکات طب چینی، تقسیم اعضای داخلی اصلی بدن انسان به اعضایی با مشخصات ین و یانگ می‌باشد. هیچکس نمی‌داند که این تقسیم‌بندی چگونه در طول تاریخ به وقوع پیوسته است. امروزه این مطالب بصورت گزارشاتی مندرج در کتب ارزشمند طب سوزنی در دسترس ما قرار گرفته‌اند. با اینحال کار بر روی آنها شایان تفکر بسیار عمیقی است، در غیر اینصورت هیچ نتیجه‌ای بدست نخواهد آمد. مسلماً چینی‌ها چیزی را یافته بودند که ما امروزه آن را با نام همکاری فیزیولوژیکی می‌شناسیم و رابطه‌ای

موزون بین عصب واگ و عصب سمپاتیک با سیستم عصبی نباتی می‌باشد.

اعضای تهی تحت تأثیر یانگ

اینکه اعضای تهی تحت تأثیر انرژی به شکل یانگ می‌باشند، بی‌نهایت پرمفهوم می‌باشد. منظور چینی‌ها از اعضای تهی، معده، رودهٔ کوچک و بزرگ و کیسهٔ صفرا است. اعضای تهی، متحرک، فعال و دفع‌کننده می‌باشند.

اعضای چگال تحت تأثیر ین

اعضای چگال تحت تأثیر انرژی ین هستند. آنها اعضایی حجیم، کند و تیره می‌باشند. اعضای چگال عبارتند از کبد، قلب، طحال، پانکراس و شش‌ها. در حال حاضر می‌دانیم که تنظیم توازن انرژی در بدن وابسته به فعالیت اعضای چگال و تهی و هارمونی عملکرد آنها با یکدیگر می‌باشد.

قلب و رگها از اعضای ین هستند

همچنین چینی‌ها می‌دانستند که تنظیم حرارت توسط ارگانهای وابسته به نیروی یانگ اداره می‌شوند. از طرفی آنها سرچشمهٔ ین را به قلب، رگهای خونی و غدد درون‌ریز نسبت می‌دهند. ما عادت کرده‌ایم که به قلب و رگهای خونی به عنوان اعضای تهی نگاه کنیم، ولیکن در طب سوزنی آنها خواص خود را بواسطهٔ خون اخذ می‌کنند و خون از اعضای ین می‌باشد. خون، جرم است. به خودی‌خود حرکت نمی‌کند،

بلکه به حرکت در می‌آید. به چه وسیله؟ امروزه می‌گوئیم: توسط قلب و سیستم رگهای خونی. ولیکن چه قدرتی قلب را به حرکت در می‌آورد؟ این چیزی است که ما نمی‌دانیم، چراکه نمی‌دانیم زندگی چیست و نیروی زندگی چه می‌باشد. به احتمال زیاد «زندگی» تا بحال ناشناخته مانده است.[۱]

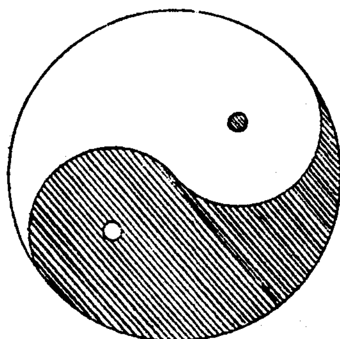
واحد بنیادی چینی

ممکن است که این سیستم برای یک فرد عادی چیزی خسته کننده و برای یک پزشک چیزی عجیب و ثابت نشده باشد. اما همانطور که گفته شد، با تأمل بردبارانه روشن خواهد شد که این سیستم بر اساس آن آگاهی بنیان گذاشته شده است که هر عضو نسبت به خویشتن دارد. بگذارید برای روشن شدن این مطلب مثالی بزنیم. کبد به عنوان یک عضو چگال و در نتیجه عضوی ین شناخته می‌شود. کبد که عضوی حجیم با رنگی تیره است محتوی سیالات زیادی می‌باشد و نمی‌توان به دلیل سکون، آن را عضوی کاملاً ین دانست، چراکه یک حیات پنهانی پویا در آن وجود دارد. در کبد یک یانگ کوچک وجود دارد که در دل یک ین بزرگ جای گرفته است. همچنین در هر عضو ین، مقدار اندکی یانگ و در هر عضو یانگ، اندکی ین وجود دارد. این حکمت چینی در

۱ـ در اینجا باید اضافه نمود که ناحیهٔ پشت بدن، یانگ و ناحیهٔ جلوی آن، ین می‌باشد. تعادل بین اعضای ین و یانگ توسط جریان دائمی سیالی موسوم به «چی»، که انرژی حیاتی است، تأمین می‌گردد.(م)

نمادی به نام «واحد بنیادی چینی»[۱] ارائه شده‌است.

هرکسی می‌تواند با نگاه کردن به این تصویر، تئوری نسبیت انیشتن را در ذهن خود تجسم کند.[۲]



ارتباط متقابل ذهن و بدن

شاید از اینکه کبد - کارخانهٔ نهانی عظیم - مقر ناخودآگاه نامیده می‌شود، غافلگیر شوید. چه دلیلی وجود دارد که فکر کنید این

۱- Chinese Monad

۲- این نمودار که ترکیبی از ین و یانگ را نشان می‌دهد، نمودار حد اعلی نیز خوانده می‌شود. نام چینی این نمودار «تای-چی-تو» T'ai-Chit'u می‌باشد. توئی-کو-ترز Kuei Ku Tzu در قرن چهارم قبل از میلاد مسیح دربارهٔ این نمودار گفته است: «یانگ چرخزنان به مبدأ خود باز می‌گردد و ین وقتی به اوج خود رسید، جایش را به یانگ می‌سپارد.» (م)

نامگذاری، اساسی حقیقی ندارد؟ ما می‌دانیم که اختلال در عملکرد کبد می‌تواند سبب افسردگی، احساس نگرانی و اندوه شود. برعکس عصبی شدن، غصه خوردن و خشمگین شدن می‌تواند به کبد (همچنین کیسه صفرا) آسیب برساند. خشم فرو خورده شده می‌تواند مسئول شکل‌گیری سنگ کیسه صفرا باشد. مطالب زیرکانه‌ای از این دست در کتاب «بیماری‌های درنده»[۱] اثر پاراسلسوز[۲] آمده است. یک بار دیگر بر این امر تأکید می‌شود که تحقیق بر روی ناخودآگاه باید بیش از آنچه که به اسطوره‌شناسی[۳] اختصاص می‌یابد، صرف بررسی عملکرد زیستی شود. انسان بدن است و جان، نه یک فرهنگ لغات. بنابراین در موارد بسیاری مفهوم این مطلب که «حالات روانی منتج از عملکرد اعضاء می‌باشند.» می‌تواند برعکس هم باشد، یعنی یک بیماری می‌تواند منتج از یک نقص روانی باشد. چقدر بدن و ذهن به یکدیگر وابسته هستند! این مفهوم بدین معناست که بدن و ذهن در شرایطی مشابه یکدیگر قرار دارند. اینکه کسی می‌تواند بگوید؛ من نگرانم، احساس فشار می‌کنم و یا هیجانزده هستم، مسأله‌ای بسیار اساسی‌تر و اسرارآمیزتر از آن است که می‌پنداریم. در اعماق وجود ما چیزی نهفته است که باعث می‌شود ناتوان از تصور جدایی ذهن و بدن باشیم.

۱- The Tartaric Diseases ۲- Paracelsus

۳- Mythology

کشف زیرکانهٔ دوم

چینی‌ها به این مسأله پی برده بودند که بدون لمس ذهن، نمی‌توان به درمان عضوی از بدن پرداخت. در اینجا ما با دومین کشف زیرکانهٔ چینی‌ها در زمینهٔ پزشکی آشنا خواهیم شد. کشف رابطهٔ بین اعضای داخلی (و در نتیجه ذهن) با پوست، نتیجهٔ مشاهدهٔ روشن‌بینانهٔ طبیعت و یکی از بزرگترین دستاوردهای پزشکی چینی بود. هزاران پزشک با تحقیقات صبورانهٔ خود بر روی بیماران، در طول قرن‌ها سیستمی را پرورش داده‌اند که ما آن را با نام «چهارده نصف‌النهار طب سوزنی» می‌شناسیم.

نصف‌النهارهای حقیقی ولی نامرئی

این نصف‌النهارها که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، نامرئی هستند، اما با اینحال مسیرهایی واقعی می‌باشند که اعضاء، تغییرات خود را بوسیلهٔ آنها از اعماق بدن به سطح آن گزارش می‌دهند. همچنین در حال حاضر می‌توانیم بخوبی بفهمیم که این نصف‌النهارها در ارتباط با اعضایشان، به ین و یانگ تقسیم می‌شوند. امروزه می‌توانیم به سادگی تجسم کنیم که چگونه این مسیرها کشف شده‌اند. احتمالاً آغاز طب سوزنی در قدیم، همانند امروز بوده‌است. وقتیکه عضوی درد می‌کند، ما بصورت غیرارادی برخی از نقاط را می‌گیریم، می‌فشاریم و ماساژ می‌دهیم. توجه آنها با این نقاط دردناک همزمان معطوف شد، ارتباطشان را با یکدیگر مشاهده کردند، آنها را با خط به هم وصل

کردند و اعضای مظنون را یافتند. مسلماً برای آنکه بفهمیم بیماری قلب سبب رخداد آبی شدن لبها، تغییر سرعت نبض، تورم پاها و احساس درد در بخش داخلی دو بازو می‌شود، و یا ناراحتی کیسه صفرا علائم خود را در بخش راست بالای معده، پاها، مفاصل ران و چشم راست نشان می‌دهد، نیازی به تکنیکهای تخصصی پزشکی قرن بیستم نیست. تمام این علائم در دوران باستان مشاهده شدند، حتی بهتر از امروز که همه علاقمند به اندازه گیری پدیدهٔ سادهٔ زندگی با دستگاههای اندازه گیری مختلف می‌باشند. بیماریهای انسان همیشه شبیه به یکدیگر بوده‌اند، فقط اسم و روش تشخیص آنها فرق کرده‌است.

حال این طب سوزنی کهن که در آغاز گیج‌کننده بنظر می‌رسید، کمی برایمان روشن‌تر شده‌است. حالا ما با اصول اساسی آن آشنا هستیم. شناخت تکنیکهای منحصربفرد، رابطهٔ بین نصف‌النهارها و نقاط و ترکیبهای آنها با یکدیگر، راهی طولانی پیش پای علاقمندان می‌گذارد که با گذر از آن از علم به فضیلت و از شاگردی به استادی می‌رسند.

فرم‌های مختلف طب سوزنی

همانطوریکه در ابتدا توضیح داده شد، در فرم کلاسیک طب سوزنی، سوزنهای مناسبی از جنس نقره، طلا یا فولاد در نقاط معینی از پوست فرو می‌روند. اغلب ممکن است از پزشکان شنیده شود که، این عمل ویژه‌ای نیست. خراش سوزنی به این کوچکی، کاربرد بسیار ناچیزی دارد. هر روزه پزشکان پیشرفته، برای بیمارانشان تزریق تجویز می‌نمایند. هرچند تزریق در شیوه‌های درمانی جای نخست را

به خود اختصاص می‌دهد، ولی این امر وابسته به سوزن آن نمی‌باشد.

اهمیت سطح بدن

مسلماً امروزه هدف از تزریق، استفاده از دارو می‌باشد. اثر و خراش سوزن هیچگونه اثر درمانی ندارد. معمولاً تزریقات به دو صورت انجام می‌شوند: داخل وریدی[۱] که دارو به سیاهرگ بازو تزریق می‌شود، و داخل عضله[۲] که دارو به داخل عضلهٔ نشیمنگاه تزریق می‌شود. امروزه هر فرد عامی این مسأله را می‌داند. در پزشکی نوین مشاهداتی دربارهٔ اثرات چندجانبهٔ خراش سوزن بر بدن، صورت پذیرفته است که البته بسیار اندک می‌باشد. این امر دلیل مربوط به خود و اهمیت ویژهٔ خود را داراست.

همواره داروها بخش مهمی از علم پزشکی را تشکیل داده‌اند، اما چینی‌ها همچنین متوجه اهمیت سطح بدن و توانایی چندین بارهٔ آن در ارتباط با امر درمان شدند. آنها نه تنها از فرو بردن سوزن در بدن، بلکه از سوزاندن «موکسا»[۳] در برخی نقاط ویژهٔ بدن استفاده می‌کردند. (به پیوست ۳ مراجعه کنید.) بعلاوه آنها نوعی ماساژ منحصربفرد داشتند.

طب سوزنی بدون سوزن

امروزه با استفادهٔ هوشمندانه و بهبود ماساژ، و با توجه به کشف «بخشهای»[۴] پوست (بخش‌درمانی)، بسیار بهتر از گذشته می‌توانیم

۱– Intravenous
۲– Intra-Muscular
۳– Moxa
۴– Segments

امکانات طب سوزنی را بفهمیم.

بخش درمانی مشتمل است بر تزریق دارویی مخصوص در منطقهٔ کاملاً معینی از پوست. این چیزی نیست جز طب سوزنی غیرآگاهانه. در این روش نه تنها دارو، بلکه همچنین منطقهٔ تزریق دارای اهمیت است.

من شخصاً برای طب سوزنی بدون سوزن، ارزشی برابر با طب سوزنی عادی قائل هستم. چراکه دیده‌ام در طب سوزنی ابزاری حساس‌تر، درمانی بهتر و امری پربرکت‌تر از دستان پزشک وجود ندارد.

خواندن این مطلب که در دوران آخر مسمریسم[1]، حرکات انتقال دهندهٔ مغناطیس، که پاس خوانده می‌شوند، بوسیلهٔ تماس مستقیم با پوست انجام می‌شد، بسیار جالب توجه است. بعدها این روش تبدیل به نوعی ماساژ شد. مسیری که دست در حین اعمال این نوع ماساژ می‌پیماید، منطبق بر نصف‌النهارهای طب سوزنی است. مشاهده می‌شود که شالودهٔ طب نیز به مانند بیماریها، یکی می‌باشد؛ فقط نام آنها با توجه به تصوری که در هر زمان از بیماریها داشته‌اند، فرق کرده است.

۱ــ مسمریسم Mesmerism نوعی روش درمانی است که توسط آنتوان مسمر در حدود دویست سال پیش ارائه شد. مسمر در این راه از درمان با آهنربا شروع کرد و بالاخره موفق به ابداع مسمریسم شد. او معتقد بود که بدن انسان دارای نوعی مغناطیس است که با انتقال آن به بدن بیماران، می‌توان بیماری آنها را درمان کرد.(م)

طب سوزنی و هموئوپاتی

آشکار است که باید چنین سیستمی با روشهای درمانی نوین بیامیزد. چرا که نه؟ اینکه طب سوزنی به عنوان نمایشی باستانی تبلیغ شود، کاری نادرست است. ما در اعصار میانی چین و یا پیش از میلاد مسیح زندگی نمی‌کنیم. اگر کیفیت حقیقی، ارزشمند و اساسی طب سوزنی ادراک شود، می‌توان آن را با روشها و تکنیکهای درمانی ارزشمند کنونی، آمیخت. وقتیکه میراث ارزشمندی از پیشینیان به ما می‌رسد، شایسته است که در روزآمد کردن آن بکوشیم. بدیع، کهنه می‌شود و کهنه، بدیع. مثال خوبی در این مورد مربوط به هموئوپاتی[۱] می‌باشد. در حدود سال ۱۸۸۰ یک پزشک متخصص هموئوپاتی به نام ویهه[۲]، مشاهده کرد که برخی بیماریها سبب دردناک شدن نقاط بخصوصی از پوست می‌شوند. او این نقاط را خود نامگذاری کرد، مانند نقطهٔ رقمی[۳] و یا نقطهٔ گرافیت[۴].

بعد از آن یک پزشک و متخصص طب سوزنی به نام دکتر دلافویه[۵]، نقاط ویهه را با نقاط طب سوزنی مقایسه کرد. او دریافت که تعداد زیادی از این نقاط بر یکدیگر منطبق می‌باشند. بدین ترتیب دلافویه تصمیم گرفت تا طب سوزنی و هموئوپاتی را با یکدیگر

۱– برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد به پیوست ۴ که توسط مترجم تهیه شده‌است، مراجعه نمایید.

۲– Weihe

۳– Digitalis Point

۴– Graphite Point

۵– Dr. de la Fuye

بیامیزد. او این سیستم جدید را «هموئوسینیاتری»[۱] نامید.

رابطهٔ بین طب سوزنی و هموئوپاتی

رابطهٔ حقیقی میان طب سوزنی و هموئوپاتی، اساسی عمیق‌تر از نقاط ویهه دارد. قبل از هر چیز باید بدانید که منشأ این دو سیستم درمانی کاملاً مستقل از یکدیگر است. اما هر دو شامل بررسی تعداد بسیار زیادی از علائم هستند. این علائم، زبان بدن جاندار و طبیعت انسانی ما است. کسی نباید آنها را دست کم بگیرد (البته نباید دست بالا هم گرفته شوند.) پزشکی نوین روشهای معاینهٔ شیمیایی - فیزیکی را ترجیح می‌دهد. آنها از بدن دربارهٔ جزئیات می‌پرسند و گهگاه نمی‌توانند جواب دریافتی را بدرستی بفهمند، برای اینکه بدن به روش خود به آنها پاسخ می‌گوید و بجای تصاویر واضح، تصاویری مبهم ارائه می‌دهد. هرگاه یک درخت سیب میوه‌ای می‌دهد، این میوه به شکل چند واحد مجزای شکر، آب میوه، سلولز و ویتامین نمی‌باشد. اینها همه در نهاد سیب وجود دارند. ما می‌توانیم آنها را تجزیه کنیم، ولی هرگز نمی‌توانیم موفق به ترکیب آنها شویم. نباید در ارزیابی جوابهای شیمیایی - فیزیکی دچار قصور شویم، همانطور که نباید کاملاً به آنها تکیه کنیم. وقتیکه بدن می‌گوید فشار خون من بالا است، علائم آن می‌توانند بصورت سردرد، سرگیجه، زنگ زدن گوشها، اختلال دید و ضعف قوای ادراک متجلی شوند. بدن نمی‌تواند بگوید فشار خون من ۲۵ روی ۱۵ است. این چیزی است که ما با اندازه گیری

۱– Homoeosiniatrie

متوجه آن می‌شویم. پزشک باید هم به ارقام و هم به علائم توجه داشته باشد.

اولین نقطهٔ توافق طب سوزنی و هموئوپاتی در توجه به علائم می‌باشد. دومین نقطه را در روش اعمال درمان آنها می‌یابیم: این عمل آرام ولی مؤثر است؛ آنها بر مزاج تأثیر می‌گذارند؛ بی‌ضرر هستند و مطابق با فرآیندهای طبیعت می‌باشند.

بنا بر دو علت فوق، هموئوپاتی و طب سوزنی می‌توانند به خوبی مکمل یکدیگر باشند. هنر و روش درمانی هموئوکاتانئوس ترکیبی است از استنتاج درمان مناسب با توجه به علائم و معالجهٔ همزمان ناحیه‌ای که به دلیل انسداد انرژی دچار اختلال شده است.

یک مثال عملی

بسیاری از افراد به دلیل روش زندگی کم‌تحرکشان، از اختلالات جریان گردش خون رنج می‌برند. دائماً در وضعیت نشسته قرار داشتن، آن هم احتمالاً در محیطی آلوده، باعث کاهش حرکات تنفسی سینه و دیافراگم می‌شود. تنفس شخصی که نشسته است سطحی خواهد بود. حتی ممکن است شخص سیگار هم بکشد، و دچار عواقب ناشی از کمبود میزان اکسیژن شود. لازم است در این مورد هشدار دهیم؛ سلولهایی که بد تنفس می‌کنند در معرض خطر ابتلا به سرطان هستند. وقتی دیافراگم به ندرت تحرک کمی داشته باشد، عملاً ماساژ تنفسی

کبد به صفر می‌رسد. در نتیجهٔ عدم کفایت تحرک پاها، مفاصل ران و زانو (و در نتیجه رگهای خونی مجاور آنها) تحت فشار قرار می‌گیرند و خون در بخش پائینی آنها جمع می‌شود. پیامدهای حاصله به شرح زیر می‌باشند: آسیب‌دیدگی سلولهای کبد، اختلالات گوارشی، بواسیر[۱]، گشادگی سیاهرگها، اِدما[۲] و یخ کردن پاها. این مجموعه علائم که ممکن است به صور گوناگونی خود را ابراز کنند، بصورت پرفایده‌ای تحت تأثیر درمانهای هموئوپاتی بر روی بافتهای رابط، رگهای خونی و کبد قرار می‌گیرند. به هرحال وقتیکه شخص همزمان اصول طب سوزنی و نقاط ویژه‌ای که رابطهٔ مخصوصی با سیستم سیاهرگی و خود کبد دارند را بکار بندد، نتایج بسیار سریع‌تر خواهند بود.

چینی‌ها می‌گویند: در اینجا اصل «ین» غالب است (اعضای ین که نصف‌النهارهای آنها رابطهٔ ویژه‌ای با پاها دارند شامل کبد، کلیه‌ها، طحال و لوزالمعده می‌باشند.) این نقاط در بخشی قرار گرفته‌اند که رگهای خونی پا که خون کبد، طحال و کلیه‌ها را تأمین می‌کنند، از زیر آن می‌گذرند. ممکن است شخص پس از تمرین بسیار بر روی نقاط متوجه شود که وظیفهٔ آنها بمانند دریچهٔ تخلیه می‌باشد (در مدارس پزشکی چین باستان، سیستم گردش خون را بصورت سیسم هنرمندانه‌ای از پمپ‌ها و لوله‌ها نشان دانشجویان می‌دادند.) خراشهای

۱– ورم دردناک رگهای مقعد که گاه منجر به خونریزی می‌شود. این ناراحتی بیشتر بر اثر یبوست مزمن یا نشستن زیاد بوجود می‌آید.(م)

۲– Oedema نوعی ورم ناشی از انباشت آب میان بافتی (م)

سادهٔ سوزن، ماساژ و یا تزریقی کوچک بر روی این نقاط می‌تواند بیماری را در مدت زمانی اندک بهبود بخشد. اصلاح کامل کار نامطلوب و شرایط زندگی می‌تواند معالجه را تکمیل کند.

«هماهنگ‌سازی» سیستم عصبی

بسیاری از پزشکان این عبارت را دوست ندارند. اما در اینجا باید توضیح دهم که چگونه خود به آن معتقد شده‌ام. همانطوریکه از آنچه گفته شد نتیجه گرفته می‌شود، طب سوزنی را می‌توان به عنوان یک روش درمانی پایه یا معالجهٔ مکمل بکار بست. در عمل بسیاری از مداواها را دیده‌ایم که مؤثر واقع نشده‌اند. مسلماً واکنشهای سیستم عصبی چنین افرادی تقلیل یافته است. با بکارگیری تحریکات ظریف می‌توانیم موفق به حساس‌سازی سیستم عصبی و در نتیجه پاسخ بهتری به معالجات شویم.

مثالی ساده می‌زنیم: وقتیکه تارهای ساز به خوبی کوک نشده باشند، بهترین هنرمند هم نمی‌تواند به خوبی آن را به صدا درآورد. این کاری است که طب سوزنی می‌خواهد با بدن انسان انجام دهد: هماهنگ‌سازی کامل سیستم عصبی. به هر حال این میسر نیست مگر با استعمال محرکهایی ظریف.

طب سوزنی و بخش‌درمانی

بیشترین توجهی که تابحال مبذول طب سوزنی بوده‌است، از جانب

شاخه‌ای از پزشکی به نام «درمان بازتاب منطقه‌ای»[۱] می‌باشد. این روش درمانی بر اساس کشف مناطق مشخصی (بخش‌ها) -که شامل ساختار عصبی است- بر روی پوست بنیان گذاشته شده است. بدینسان بخشهایی متعلق به قلب، کبد، کلیه‌ها، روده‌ها و معده وجود دارند. پس از حملهٔ یک بیماری داخلی، این بخش‌ها دارای حساسیت فوق‌العاده‌ای می‌شوند. این روش برای تشخیص مراحل اولیهٔ بیماری بسیار مهم می‌باشد.

طب سوزنی با استفاده از تجربیات کهن خود، دانش متعالی خویش از سطح بدن و ادراک عمیق از آنچه که علم پزشکی نوین «بازتاب»[۲] می‌نامد، این روش درمان بازتاب منطقه‌ای را تقویت نموده و توسعه داده است.[۳]

بگذارید این مفهوم را بهتر یادبگیریم و درک کنیم.

«گردش انرژی»

وقتیکه انگاره‌های کهن به بلوغ می‌رسند، انقلابی می‌شوند. بطور کلی می‌توان گفت که بدن به هر محرکی پاسخ می‌دهد. با مشاهدهٔ یک

۱– Reflex-Zone-Therapy ۲– Reflex

۳– برای کسب اطلاعات بیشتر در زمینهٔ بازتاب‌شناسی و درمان منطقه‌ای می‌توانید به فصل ۴ از کتاب «رنگ‌درمانی» اثر پاولین ویلز مراجعه نمایید. این کتاب را خانم مرجان فرجی ترجمه کرده‌اند و توسط انتشارات درسا منتشر شده‌است.(م)

محرک منفرد قادر خواهیم بود دربارهٔ بازتاب منفرد آن اظهار نظر کنیم. اما در طول زندگی محرکهای متغیر و نامحدودی را تجربه می‌کنیم. ما همیشه تحت تأثیر محرکهایی از قبیل غذا، آب و هوا، نور و فشارهای روانی هستیم. تمام اینها به صورتی گردشی از روز به شب، از بهار تا پائیز و از جوانی تا پیری رخ می‌دهند. این محرک‌ها بصورت دوره‌هایی تکراری اعمال می‌شوند. آیا تصور اینکه انرژی ذهن-بدن ما که دائماً تحت تأثیر تحریک این محرک‌ها می‌باشد، خود حرکتی گردشی دارد، دور از ذهن است؟

برای مثال می‌توان به گردش خون به عنوان اولین شکل حرکت گردشی اشاره نمود. اما نباید در این مورد خیلی تک‌بعدی فکر کنیم. آیا این امر نمی‌تواند در مورد بافتها و ارگانهایی که توسط جریان خون و رخدادهای دوره‌ای شبانه‌روزی و فصلی خوراک داده می‌شوند، صحت داشته باشد؟ احتمال دارد وقتیکه چینی‌ها مشغول ایجاد سومین نظریهٔ هوشمندانهٔ خود در پزشکی بودند، بدینسان فکر می‌کردند. این نظریه می‌گوید که اعضای بدن ما دارای چرخه‌هایی دوره‌ای در طول شبانه روز می‌باشد که در زمانهای مشخصی مشغول استراحت (مرحلهٔ انباشتگی)[1] و کار (مرحلهٔ زدایش)[2] است. نبوغ این خط فکری در زیبایی اندیشهٔ آن نیست بلکه مربوط به قدرت آن در مشاهدهٔ آدمی می‌باشد.

۱- Accumulation-Phase ۲- Elimination-Phase

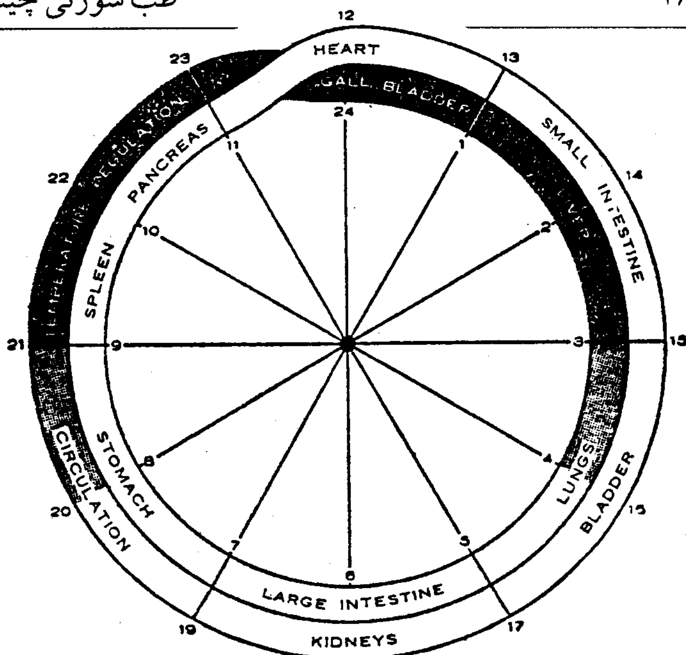
ساعت زیستی چینی

چینی‌ها یک ساعت ۱۲ ساعته ساختند که می‌توان زمان استراحت و فعالیت ۱۲ عضو بدن را در آن مشاهده کرد. چینی‌ها آن را چنین توضیح می‌دهند: انرژی هر دو ساعت در یک عضو می‌گردد. اینکه آنها چگونه با روشهای مشاهدهٔ ساده موفق شدند تا دو ساعت صحیح هر عضو را مشخص کنند، هنوز بصورت معمایی باقی مانده است. این زمانهای دو ساعته را «زمانهای بیشینهٔ عضو» (OMT)[1] نامگذاری کردند.

دستاوردی ارزشمند در زمینهٔ تشخیص

وقتیکه می‌بینیم زمان بیشینهٔ رودهٔ بزرگ ساعات ۵ تا ۷ صبح می‌باشد، به سادگی متوجه می‌شویم که دلیل این رده‌بندی آن است که در این زمان رودهٔ بزرگ از هر زمان دیگری خالی‌تر است. با توجه به این مسأله می‌توانیم به این نتیجهٔ درمان‌شناختی برسیم که بین ساعات ۵ تا ۷ صبح، رودهٔ بزرگ به خوبی نسبت به معالجات پاکسازی جواب می‌دهد. می‌توانیم چنین ملاحظاتی را برای دیگر اعضاء نیز بسط دهیم. بارها پیش آمده که بایستی به صحت ساعت زیستی چینی در ارتباط با تجربیاتمان اقرار می‌کردیم. محققین جدید در زمینهٔ ریتم کار قابل تحسینی در مورد اندازه‌گیری دقیق ریتم اعضاء انجام داده‌اند، نتایج حاصله به میزان زیادی با مشاهدات چینی‌ها هماهنگ بوده‌است. اگر بدون پیش‌داوری این مشاهدات را با یکدیگر مقایسه کنیم و آنها را

۱– Organ Maximum Times



بصورت عملی آزمایش نماییم، به روشهای ارزشمند جدیدی در زمینهٔ تشخیص دست خواهیم یافت. در این روش‌ها احتمال تشخیص علائمی وجود دارد که با توجه به هر عضو، در ساعات بخصوصی رخ می‌دهند. برای مثال وقتیکه بیمار می‌گوید تقریباً هر شب بین ساعات ۱ تا ۳ بعد از نیمه شب بیدار می‌شود، این می‌تواند نشانهٔ اختلال در کار کبد باشد. آنگاه باید این عضو را مورد آزمایش دقیق قرار داد.

ساعت زیستی برای طبقه‌بندی زمانی درد بسیار ارزشمند می‌باشد. ما به اهمیت زیاد آن مثلاً برای هموئوپاتی در رابطه با انواع مختلف درد آگاهی داریم. حال برای ما این امکان وجود دارد که زمان ویژهٔ وقوع درد را برای هر عضو استنتاج کنیم. هرکسی می‌داند که درد قولنج کیسه

صفرا[۱] معمولاً در شب رخ می‌دهد. این در حالی است که ساعت بیشینهٔ کیسه صفرا ۱۱ تا ۱ بعد از نیمه شب است.

زمانبندی انجام معالجات

پزشک طب سوزنی نه تنها با استفاده از ساعت زیستی نائل به تشخیص بیماری می‌شود، بلکه این ساعت شاخص خوبی است برای وی تا زمان اعمال معالجات را تنظیم کند. از آنجا که ساعت زیستی به دو نیمهٔ شب و روز تقسیم شده است، می‌توانیم کارکرد ترکیب و جذب در نیمهٔ شب و زدایش را در نیمهٔ روز به یکدیگر مربوط بدانیم. دانستن این مطلب برای انجام معالجاتی که سبب تحریک زدایش و بهبود تغذیه و اعمال ساختمانی می‌شود، بسیار مهم می‌باشد.

دوران بحران

در ضمن باید چشمان دکتر به ویژه مراقب «ساعات انتقال»[۲] باشد که در آن تغییرات بین نیمهٔ روز و نیمهٔ شب رخ می‌دهند. این ساعات انتقال، دوران بحران می‌باشند. این یک تجربهٔ پزشکی قدیمی است که بیشتر مرگها در حدود ساعت ۳ بعدازظهر رخ می‌دهند، چراکه در این ساعت فشار خون پائین است و فعالیت قلب کاهش می‌یابد. همچنین می‌دانید که بعد از غذای نیمروز، از ساعت ۱ تا ۳ مرحلهٔ خستگی است. افراد در این زمان نمی‌توانند کارهایشان را به خوبی انجام دهند. ممکن

۱- Gall Baldder Colic معمولاً این درد به شانهٔ راست می‌زند.(م)

۲- Transitional Hours

است که هر شخصی با توجه به این حقایق به نتایجی برای خود دست یابد.

هر کس برای خود یک «ساعت درونی»[۱] دارد. من خود باور دارم که شناخت این ساعت و توجه به هشدارهای آن بسیار مهم می‌باشد.

مانند هر چیز دیگری که برنامه‌هایی را به طبیعت انسان تحمیل می‌کنند، ممکن است که ساعت زیستی هم کاستی‌های مربوط به خود را داشته باشد. به هر حال اگر به آن بعنوان یک کمک عملی، یک روش و یک فرض نگاه کنیم، آنگاه می‌توانیم آن را به درستی مورد استفاده قرار دهیم. با تمرین و احتراز از تکرار اشتباهات می‌توانیم به پیشرفت نائل شویم.

زمینهٔ کاربرد طب سوزنی

ممکن است افراد بپرسند که زمینهٔ کاربرد طب سوزنی چیست و یا کدامیک از بیماریها که به اسامی جدید خوانده می‌شوند، توسط آن قابل درمان هستند. سئوالاتی که بدین شکل مطرح می‌شوند، مفهوم واقعی طب سوزنی را مخدوش می‌نمایند. همانطور که دیدیم انگارهٔ کلی طب سوزنی بر اساس واکنشهای ذهن-بدن قرار دارد. مفهوم کلی طب سوزنی، پشت سر گذاشتن بیماری می‌باشد. شرایط زیادی وجود دارند که ما آنها را بیماری می‌نامیم. ما جداگانه بر روی یک بیماری کار نمی‌کنیم، بلکه تنظیماتی جسمانی را در رابطه با آنها اعمال می‌نماییم.

۱- Inner Clock

طب سوزنی برای مشکلات روزمره

تجربه به ما آموخته است که بهترین کار را می‌توان در آغاز بیماری انجام داد. چینی‌ها در کتاب بسیار قدیمی خود، یی‌چینگ[۱] چنین توضیح می‌دهند: شخص می‌تواند هر چیزی را در همان آغاز آن تغییر دهد. از اینرو طب سوزنی توجه خاصی به تشخیص و درمان بیماری در ابتدا دارد. بیماریهای کامل مسأله‌ای فرعی می‌باشند. استفاده از طب سوزنی برای معالجهٔ یک آپاندیس سوراخ شده و یا قلبی که دچار انفارکتوس شده‌است، یک اشتباه بزرگ حرفه‌ای است. اما بسیاری از انواع ناراحتی‌های پوستی، دردهای عصبی، دردهای رماتیسمی، میگرن، آسم، اختلال در کار مثانه و کلیه‌ها، ناراحتی کیسه صفرا، مشکل در کارکرد معده و روده‌ها زمینهٔ کاربرد طب سوزنی را تشکیل می‌دهند. تعداد این مشکلات بیشمار روزمره بسیار بیشتر از ناراحتی‌های شدیدی است که نیازمند مراقبتهای پزشکی هستند. آنها شرایط روزانه و تواناییهای ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین آنها منادی چیزهای بد و اخطاری برای دردهایی که در راهند، می‌باشند و هرگز

۱- I Ching یا کتاب تقدیرات کهن‌ترین متن چینی و کتابی مقدس برای چینیان می‌باشد. این کتاب که بیش از چهار هزار سال قدمت دارد، از شصت و چهار علامت و تفسیر آنها تشکیل شده است. چینیان معتقد بودند که تمامی تحولات بیرون و درون در این شصت و چهار علامت خلاصه شده. ترجمه‌هایی از آن به فارسی به چاپ رسیده‌اند مانند: «یی‌چینگ، کتاب تقدیرات» ترجمهٔ خانم سودابه فضایلی و منتشر شده توسط نشر نقره و «آزمون یی‌چینگ» ترجمهٔ آقای فرامرز جواهری‌نیا و منتشر شده توسط انتشارات بدیهه. (م)

نباید آنها را مورد غفلت قرار دهیم.

این زمینهٔ کاربرد طب سوزنی و توجیه آن است.

حرفهای پایانی

معالجه به روش طب سوزنی، وقار و آرامش ویژه‌ای دارد. لمس سطح بدن، اندازه گیری نبض، احوالپرسی از بیمار، استفاده از سوزنها یا انجام ماساژ ویژه در غوغای زندگی روزمره، ماهیت اصلی طب سوزنی نمی‌باشد. چنانچه که نکوهشگران بی‌خبر می‌گویند، طب سوزنی یک «جادو» نیست ولی وجدان و انسانیت را به مبارزه می‌طلبد. روشهای معالجه‌ای وجود دارند که در آنها نه لازم است که بیمار دربارهٔ خود توضیح دهد و نه کاری به کار شأن انسان دارند. طب سوزنی به بررسی شدید تمامی طبیعت بیمار مشهور است. اگر جایی هست که نیازمند رسیدگی نیست، خود بیمار باید بگوید که در آنجا دردی وجود ندارد. ارگانیسم انسان دارای یک صدای درماندگی است که گاه بلند است و گاه آرام.

بگذارید یکبار دیگر یادآور شویم که چینی‌ها پی بردند «انرژی» چیزی جهانی و خدایگونه است. کار بر روی انرژی یک انسان و انرژی زندگی وی، نظر به امتزاج اسرارآمیز آن با اعضاء، ذهن و زمان باعث می‌شود بارها و بارها دچار احساس اعجاب و ترس شویم.

پیوست ۱
نصف‌النهارها

طب سوزنی‌کارهای چینی ادعا می‌کنند ۱۴ نصف‌النهار وجود دارد که خوراک انرژی اعضایی نظیر معده، قلب، ریه‌ها، کلیه‌ها و غیره را انتقال می‌دهند. یک جریان خیلی قوی یا خیلی ضعیف در چرخهٔ یک نصف‌النهار می‌تواند سبب نارسایی‌هایی در عضو مربوطه شود که منجر به بیماری خواهد شد. با تحریک جریان مخدوش بوسیلهٔ خراش سوزن در نقاط ویژه‌ای از نصف‌النهارها که حدوداً ۸۰۰ نقطه می‌باشند، می‌توان این مشکلات را ترمیم کرد.

برخی از پزشکان غربی نشان داده‌اند که می‌توان این نصف‌النهارها را با ابزاری که نشان می‌دهد مقاومت الکتریکی نقاط در طول این مسیرها کمتر از قسمتهای دیگر پوست است، ردیابی نمود. از این گذشته سوزن زدن به این ۸۰۰ نقطه در طول این مسیرها می‌تواند سبب تغییر شرایط الکتریکی شود.

یک پزشک ژاپنی موفق به اختراع دستگاهی شده‌است که ضربان چهارده نبض را ثبت می‌کند. این باعث شد که ثابت شود نظریهٔ چینی‌ها

در مورد نصف‌النهارها صحت دارد و تحریک نقاط ویژه می‌تواند شرایط را تغییر دهد.

د ر- آنژین صدری که برای حرفهٔ پزشکی غربی یک راز محسوب می‌شود، معمولاً از قلب به سمت پائین بازو و انگشت کوچک حرکت می‌کند، و این کاملاً همان مسیری است که نصف‌النهار قلب چینی‌ها نشان می‌دهد.

تئوری مطرح شده در دانشگاه گورکی بیان می‌کند که سوزنهای طب سوزنی که در پایان رشته‌های عصبی فرو می‌روند، باعث ایجاد پالسهایی الکتریکی می‌شوند که به تیرهٔ پشت و از آنجا به مغز و مرکز کنترل ارگان‌ها می‌روند.

پیوست ۲
روش فشاری طب سوزنی

۱. فشار انگشتان

در این روش انگشتان محکم بر روی نقاط حساس فشار وارد می‌کنند. این روش درمانی برای برخی از بیماریها بسیار مؤثر است.

این روش از خراش با سوزن یا استفاده از موکساها آسانتر می‌باشد. در ضمن می‌توان برای درمان کودکان و نوجوانانی که از سوزن وحشت دارند، از این روش استفاده کرد. فشار انگشت بر روی بسیاری از نقاط می‌تواند نتایجی مشابه با استفاده از سوزن و موکسا داشته باشد. این روش به ویژه برای نقاط بخصوصی مانند گیجگاه، گوش‌ها، صورت، شانه‌ها، بالای سینه و نقاط انتهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای وارد نمودن فشار می‌توان از نوک انگشت و یا ناخن و بسته به ضخامت لایهٔ عضله از سه انگشت شست، سبابه و انگشت میانی استفاده نمود.

بطور کلی این روش نتایج زیادی در بر دارد و استفاده از آن آسان می‌باشد. این روش برای درد، سوختگیهای درجهٔ یک و دو و نیش حشرات توصیه می‌شود. در این موارد فشار انگشت به مناطق مربوط به نقاط دردناک اعمال می‌شود. معمولاً این فشار سبب قطع درد خواهد شد. همچنین امکان دارد که درد تخفیف یابد و یا از بیشتر شدن آن جلوگیری شود.

۲. فشار با میلهٔ فلزی

در گذشته از میله‌ای باریک با سر گرد و میله‌ای ضخیم‌تر با سری توپی‌شکل استفاده می‌شد، در حالیکه امروزه میله‌ای با سر گلابی شکل مورد استفاده قرار می‌گیرد. از میلهٔ باریک برای مداوای بیمارانی کمک گرفته می‌شد که از سوزن می‌ترسیدند، در حالیکه مورد مصرف میله با سر توپی شکل، ماساژ بود.

میلهٔ باریک یا میلهٔ امروزی با سر گلابی شکل می‌تواند جانشین خوبی برای فشار انگشتان باشد، بخصوص برای نقاطی که استفاده از فشار انگشتان در آنها دشوار می‌باشد.

برای درمان دردهای عضلانی با منشاء رماتیسمی، انگشتان باید حرکتی نوسانی در تمام راستاهای آن محل ایجاد کنند. همچنین می‌توان از ماساژ نقاط مجاور هم بهره برد.

تنوع و تعداد معالجات وابسته به طبیعت شکایت و توضیحات مختلف بیمار می‌باشد.

باید در نظر داشته باشیم که طب سوزنی در خاور دور در حقیقت یک روش پیشگیری می‌باشد. در ژاپن، پیش از تاخت و تاز غرب،

حدود ۱۸۶۰، همه وظیفه داشتند که هر سه ماه یکبار تحت درمان طب سوزنی و موکسا قرار بگیرند. بدینسان در اغلب موارد کسی که تحت معاینه قرار می‌گرفت بیمار نبود و اگر معاینهٔ نبض شعاعی اختلالی را در تعادل انرژی‌ها نشان می‌داد، از سوزن زدن استفاده می‌شد. در چنین مواقعی یک جلسه درمان هر دو ماه یکبار برای تضمین سلامتی بسنده بود.

متأسفانه این امر در اروپا شکلی متفاوت دارد، وقتی از پزشک مدد می‌گیرند که بیماری به وقوع پیوسته است.(۱)

همانطور که قبلاً توضیح داده شد، تنوع روشهای معالجه وابسته به طبیعت بیماری، عکس‌العمل‌های منحصربفرد و بنیهٔ بیمار می‌باشد.

۱ــ و متأسفانه در کشور ما قریب به اتفاق وقتی به پزشک مراجعه می‌شود که بیماری به مراحل خطیری رسیده است. دلیل این امر گاه آن است که با گذاشتن نام سرماخوردگی (؟) بر روی بسیاری از بیماری‌ها، آن را دست کم می‌گیرند. در برخی موارد هم مشاهده شده‌است که بیمار از پزشک می‌ترسد و یا از باور بیماری خویش واهمه دارد.

پیوست ۳
استفاده از موکسا

هدف استفاده از موکسا همانند طب سوزنی، ایجاد تـعادل بـین دو انرژی ین و یانگ می‌باشد.

همانطور که دکتر ناکایاما[۱] توضیح مـی‌دهد: ایـن روش کـه طب سوزنی آتشی[۲] نیز خوانده می‌شود، بر اساس حرارت بنیان گذاشـته شده است. این به دلیل طبیعت یانگ می‌باشد. در نتیجه این روش برای بیماریهایی کارآمد است که بر اثر فزونی ین ایجاد شده‌اند.

در این روش مخروطهایی سوختنی که از برگ‌های پودر شدهٔ گیاه Artemisa Vulgaris ساخته شده است، مورد استفاده قرار می‌گیرند. این مخروطها را آتش می‌زنند و در نـقاط مشـخصی قـرار مـی‌دهند. آنـها خاموش نمی‌شوند تا اینکه به پوست برسند و (در برخی موارد) اجازه داده می‌شود که در محل تاول ایجاد شود.

همچنین موکسا را می‌توان پس از بـیرون کشـیدن سـوزنهای طب

۱– Dr. Nakayama

۲– Ignipuncture

سوزنی مورد استفاده قرار داد.

برخی از پزشکان مدرن ژاپنی کار با موکسا و طب سوزنی را توأم با روشهای لابراتواری نوین می‌آموزند تا قادر باشند تشخیص دهند کدام روش معالجه اثری درمانی فراتر از تأثیرات روانشناسانه دارد.

یکی از دانشمندان برجسته از این دست، دکتر ناکایاما، نتایج بدست آمده توسط همکارانش را جمع‌آوری نموده است. برای مثال دکتر هارا، پس از مطالعات پیگیرانه‌ای به شواهدی آزمایشگاهی دست یافت که ثابت می‌کنند استفاده از موکسا سبب افزایش تعداد گلبولهای قرمز خون و هموگلوبین می‌شود. سوزنها نیز اثری مشابه دارند.

دکتر ناکایاما پس از آزمایشات درمانگاهی بسیار، نتایجی بدست آورده است که نشان می‌دهند بیماریهای بسیار متنوعی را می‌توان با استفاده از موکسا یا سوزن درمان نمود. هرچند باورنکردنی است، ولی این دکتر پی برده است که طب سوزنی و موکسا تأثیر بسیار زیادی بر روی خون دارد. هرچند ممکن است که بهبود و یا تغییرات به سرعت پس از اولین درمان مشاهده نشوند، لیکن این امر حقیقت دارد. پس از استعمال موکسا در درازمدت، دگرگونی‌های مهمی در خون رخ می‌دهند. همچنین تجربیات به ما می‌آموزند که حتی سوزن‌ها نتایجی بسیار سریعتر در بر دارند. دکتر ناکایاما اظهار می‌کند که ضمن اینکه استفاده از موکسا درمانی با طبیعت یانگ فراهم می‌سازد، می‌توان تمام فزونی‌های ین را با استفاده از این روش برطرف نمود.

اما درمان با موکسا، که در حقیقت یک محرک فیزیکی می‌باشد، همچنین بصورت عمومی به تمام عملکردهای فیزیولوژیکی جان

می‌بخشد. این به متابولیسم یاری می‌رساند، لکوسیت‌ها[۱] و مراکز عصبی و روحی را فعال می‌کند. علاوه بر تحریک فیزیکی-دارویی[۲]، اثرات خوب و شدیدی بر مشکلاتی با طبیعت یانگ دارد.

توضیحات دکتر ناکایاما روشن می‌سازد که پزشکان امروزی نسبت به اعتبار سیستم ین و یانگ، اعتقادی راسخ دارند.

بسیار متحیرکننده خواهد بود اگر بدانید، موکسا که از دیرینه‌ترین ابزار درمان است و در بیشتر مقالات پزشکی چین باستان بدان اشاره شده است، در ششم اگوست ۱۹۴۵ در هیروشیما مورد استفاده قرار گرفت و به کمک یکی از مصدومین تشعشعات اولین بمب اتمی شتافت. آقای جان هرسی[۳] در کتاب خود با نام «هیروشیما» می‌گوید ۲۵ تا ۳۰ روز پس از انفجار، اختلالات خونی نمایان شدند؛ لثه‌ها دچار خونریزی شده، تعداد گویچه‌های سفید خون به سرعت کاهش یافت. دو علامت کلیدی که پایهٔ معاینات پزشکان را تشکیل می‌داد، تب و کاهش تعداد گلبولهای سفید خون بود.

یکی از بازماندگان مردی بود به نام رورند تانیموتو[۴] که فارغ‌التحصیل الهیات بود و در زمان انفجار در دو مایلی مرکز آن قرار داشت. پس از دو هفته احساس ناراحتی کلی، کسالت و تب به وی دست داد. حال او بهبود نیافت و دست به دامن معالجات پزشکی شد. به وی ویتامین B1 تزریق کردند ولی فقط اندکی بهبودی در حال وی

۱- Leucocyte سلولهای سفید خون

۲- Physico-Pharmaceutical

۳- John Hersey

۴- Reverend Tanimoto

بدست آمد. پس از چند روز یک راهب بودایی که از قبل با وی آشنایی داشت، با وی تماس گرفت و پیشنهاد کرد که او تحت درمان با موکسا قرار بگیرد. راهب به وی نشان داد که چگونه ریسمان محرک داروی گیاهی را آتش بزند و در مچ دست خود تعبیه نماید. تانیموتو متوجه شد که پس از اولین درمان با موکسا، تب وی به سرعت یک درجه کاهش یافت. تحقیقات دکتر ناکایاما در مورد تأثیر موکسا بر خون در اینجا متجلی شده‌است. کاملاً مشخص است که ادامهٔ این معالجات در درازمدت تأثیرات بیشتری را در بر خواهد داشت. حتی اگر تأثیرات این روش درمانی باستانی زودگذر باشند، با اینحال بازهم نشانهٔ ارزش بالای آن است.

در حقیقت استفاده از موکسا نوعی سوزاندن زخم می‌باشد که ریشه در تاریخ پرابهام عهد باستان دارد. در آن زمان راههای زیادی برای سوزاندن زخم وجود داشته است، اما امروزه ما فقط با موکساها سر و کار داریم.

آنها توپی‌ها و یا مخروطهایی از الیاف کتانی می‌ساختند که عمدتاً از جنس بومادران یا کاسنی بودند. همچنین موکساها را از دانهٔ گل آفتاب‌گردان، کتان، کرک پنبه و قارچ‌ها می‌ساختند. این مخروطها پس از آتش گرفتن آهسته می‌سوختند و در پایان اثر سوختگی به اندازهٔ یک نخود فرنگی از خود بجای می‌گذاشتند. با توجه به گزارشات متعددی که از مسافران برگشته از مشرق زمین بدست آمده است، این روش از همهٔ دیگر روشها مؤثر تر است و عجب که در مورد دردهای

عصب سه‌قلو[۱]، سیاتیک، پی‌آماس[۲]، ورم مفاصل، رماتیسم و غیره هم مؤثر است.

تعیین محل این اثرات سوختگی مصنوعی که در موقعیتهای مشابه، یکی می‌باشند با تجربه حاصل شده است. «جراحی آتشی»[۳] و «نقطهٔ آتش»[۴] اعراب و هندوها، خود شاهدی بر این امر می‌باشد. محل این نقاط در موارد متعددی وابسته به نقاط بازتابی[۵] و نقاط دردناک در سر است.

تعیین نقاط، تشخیص و روشهای کاربرد کاملاً شبیه به طب سوزنی می‌باشند. اگر مورد یک ناراحتی پوستی باشد، باید استفاده از موکسا مطابق با اندازهٔ ناحیهٔ بیمار انجام گیرد. در عمل داغ کردن با موکسای غلتکی[۶] باید کاملاً دقت شود که پوست بیمار نسوزد. باید فاصلهٔ بین بخش فروزان موکسا و انتهای آن به اندازه‌ای باشد که بیمار فقط احساس گرمای خوشایندی داشته باشد. عموماً زمان درمان با موکسا باید بین بیست تا سی دقیقه بطول انجامد، البته این مقدار بسته به شرایط متنوع است.

برخی از دست اندرکاران این فن توصیه می‌کنند که موکسا با نوعی

۱– Trigeminal عصب سه‌قلو یا تریجمینال عصب پنجم مغزی است که عملکرد آن شامل حواس و حرکات صورت می‌باشد.(م)

۲– التهاب یا آماس و زخم عصبی که دردناک است و سبب ناراحتی عصبی و گاه فلج می‌گردد.(م)

۳– Fire Surgery

۴– Point of Fire

۵– Reflex Zone

۶– Moxa-Roll

نمک اشباع شود، اما بقیه با این عمل مخالفند و دلیلشان این است که موکسا نباید به سرعت بسوزد.

باید بخشی از بدن که تحت درمان قرار می‌گیرد با یک پارچهٔ مرطوب پوشانده شود، بطوریکه فقط بخش کوچکی از آن برای موکسا باز باشد. آنگاه مخروط موکسا از بالا روشن می‌شود. بعضی‌ها موکسا را با انبرک بر روی پوست فشار می‌دهند تا کاملاً بسوزد. گاه اگر لازم باشد برای بهینه کردن عمل سوختن، بر آن می‌دمند.

بیمار متوجه درد انتهای پائینی موکسا خواهد شد، بویژه در آغاز این درد شدید است ولیکن به سرعت فروکش می‌کند. اثر زخم بجای مانده وابسته به شدت درمان می‌باشد که بعداً روی آن مرهم مالیده می‌شود. پس از حدود هشت یا ده روز، اثر زخم بهبود خواهد یافت.

همچنین می‌توان از اصول درمان با موکسا برای معالجه استفاده کرد بدون آنکه متحمل زحمات و اثرات درد ناشی از مخروطهای مشتعل شد: امروزه در فرانسه کاربرانی هستند که از یک لولهٔ دماسنج شکل برای حرارت دادن به پوست استفاده می‌کنند. این لوله با آب داغ پر شده است و در فواصل زمانی کوتاه به تعداد پنج تا هفت بار مورد استفاده قرار می‌گیرد. با توجه به واکنش پوست بیمار، یک تاول آشکار یا خفیف شکل می‌گیرد: جذب ثانوی آن همانند یک واکسن عمل می‌کند.

من خود بدین نتیجه رسیده‌ام که یک راه بهینه درمان با موکسا، استفاده از جام حجامت می‌باشد. در این روش گوی کوچکی از الیاف کتان را به الکل آغشته می‌کنیم، آن را با انبرک می‌گیریم، آتش می‌زنیم و در محل درد قرار می‌دهیم، سپس به سرعت جام حجامت را بر روی آن

قرار می‌دهیم. شعله نه تنها ایجاد حرارت می‌کند، بلکه با سوزاندن هوا سبب بوجود آمدن خلاء در جام می‌شود. خلاء گوشت را در بر می‌گیرد و به داخل جام می‌کشد، این عمل باعث بر طرف شدن جمع‌شدگی خون و بهبود جریان آن خواهد شد.

در کتاب خودم با نام «روشهای غیرمعمول درمان»[۱] فصلی را به روش درمان با بادکش اختصاص داده‌ام که به شکل وسیعی در فرانسه، آلمان و دیگر نقاط اروپا مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش بسیار ساده است ولیکن از مؤثرترین عوامل درمانی می‌باشد. می‌توان اثر درمان معمولی با موکسا را با روش بادکش، افزایش داد.

درمان با موکسا به خاطر درمان بیماریهایی مانند فلج، مننژیت، نقرس و غدهٔ سفید[۲] در مشرق زمین بسیار مشهور می‌باشد.

در ژاپن موکسا را برای درمان موارد مزمن و سوزن را برای موارد حاد مورد استفاده قرار می‌دهند. اما با توجه به گفته‌های ناکایاما، از زمانهای گذشته تا به حال موکسا در درمان بیماریها برتری داشته است. امروزه ما در حال کشف عملکرد ماساژ متراکم به سبک درمان ژاپنی و چینی می‌باشیم.

۱– Unusual Healing Methods

۲– Tumour Albus

استفاده از موکسا با توجه به تعالیم باستانی

سئوال: موکسا چگونه با سوزاندن اثر می‌کند و چقدر نیازمند موکسا خواهیم بود؟

جواب: در بین انگشتانتان گلولهٔ پشمین کوچکی بسازید که بزرگتر از یک نخود فرنگی نباشد. باید قسمت بالای آن برآمده و قسمت زیرین آن تخت باشد. آن را از سطح تخت بر روی نقطهٔ مورد نظر که باید سوخته شود بگذارید. قسمت برآمدهٔ آن را با فتیله‌ای که رایحه‌ای دلپذیر ایجاد می‌کند، آتش بزنید.

س آیا مواد پشم مانند به راحتی آتش می‌گیرند؟

ج اگر کاملاً خشک باشد، به راحتی آتش خواهند گرفت.

س آیا گلوله کاملاً می‌سوزد و تبدیل به خاکستر می‌شود؟

ج نه کاملاً. معمولاً مقداری از گلوله که خاکستر نشده است، باقی خواهد ماند.

س چه چیزی باعث می‌شود تا گلوله کاملاً مصروف شعله‌ها نشود؟

ج رطوبتی که گلولهٔ پشمین از پوست جذب می‌کند سبب میرایی شعله خواهد شد، چنانچه که گلوله کاملاً تبدیل به خاکستر نمی‌شود.

س آیا این گلولهٔ سوزان باعث تاول زدن پوست نمی‌شود؟

ج نه کاملاً. آنها باعث تغییر رنگ محل می‌شوند، حتی پس از آنکه بارها در نقطهٔ مشخصی مورد استفاده قرار

بگیرند.

س چه توضیحی برای تاول نزدن پوست بر اثر شعله‌ها وجود دارد؟

ج جوابی وجود ندارد، مگر آنکه بگوئیم گلولهٔ کوچک کاملاً تا سطح پوست نمی‌سوزد و بنابراین فقط اثر کوچکی از خود می‌گذارد.

س آیا اثر بوجود آمده سبب درد شدید نمی‌شود؟

ج با توجه به اینکه مواد مورد استفاده سبک و کم حجم می‌باشند و گلوله کوچک است و تا پوست نمی‌سوزد، درد قابل تحمل است.

س آیا سوختن گلوله طول می‌کشد؟

ج کمتر از زمانی خواهد بود که کسی بتواند تا پنجاه بشمارد.

س چند بار باید از گلوله‌های سوزان در یک محل معین استفاده کرد؟

ج بطور کلی در نقاط حساس و ضعیف پوست، سه بار مورد استفاده قرار می‌گیرد ولیکن در هر منطقه‌ای مقدار آن بنا به نیاز متفاوت خواهد بود. برای مثال اگر مورد درد در نشیمنگاه باشد، اگر شخص ترسی از آسیب‌دیدگی نداشته باشد می‌توان از بیست و پنج تا پنجاه گلوله را مورد استفاده قرار داد.

س آیا اثر بوجود آمده دردهای بعدی نخواهد داشت؟

ج خیر. وقتی که شعله خاموش شد می‌توان بدون هیچ

ناراحتی محسوسی پوست را لمس کرد و حتی می‌توان روی محل را فشار داد.

س آیا این درمان درد را بصورت کلی از بین می‌برد و یا فقط آن را تخفیف می‌دهد؟

ج هر دو: تأثیر آن به حدی است که معجزه‌آسا می‌باشد.

پیوست ۴
هموئوپاتی

در آغاز باید دو دیدگاه کلی زیر را مورد بررسی قرار دهیم. دیدگاه اول، جزئی‌نگری می‌باشد. در این دیدگاه ما جهان را مجموعه‌ای از اجزای جدای از هم می‌بینیم که در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. دیدگاه دوم، کلی‌نگری می‌باشد. در این دیدگاه ما همه چیز را یک واحد کلی و یکپارچه در نظر می‌گیریم. فلسفهٔ کلی پزشکی هموئوپاتی نیز بر دیدگاه دوم استوار است. در این فلسفه چیزی که باعث یکپارچگی همهٔ اجزا می‌شود، عنصری است به نام شعور. در پزشکی متداول انسان را بدن در نظر می‌گیرند. این بدن همانند یک ماشین می‌باشد که اگر یکی از اجزای آن به خوبی کار نکند، با فعال نمودن مجدد آن می‌توان بدن را درمان کرد. لیکن در هموئوپاتی دیدگاه کلی‌نگری جای این طرز تفکر را می‌گیرد. برای درک هرچه بهتر این روش باید ابتدا با اصول و قوانین تئوری شعور آشنا شویم.

قانون ۱: موجودیت شعور

بر هر آنچه که در این هستی وجود دارد، شعوری حاکم است که

اشکال گوناگون ماده تجلیات قابل مشاهدهٔ آن می‌باشد. بارها مواردی از بیماری دیده شده است که دلیل آن باید کمبود ماده‌ای شیمیایی باشد، ولی پس از اندازه گیری، کمبودی مشاهده نمی‌شود. با استفاده از تئوری شعور می‌توان گفت که در این موارد ماده وجود دارد ولی شعوری که باید آن را کنترل کند، به خوبی عمل نمی‌کند. بنابراین ممکن است در مواردی با اینکه شعور وجود دارد، ولی عملکرد آن مختل شده باشد.

قانون ۲: ساختار شعور

هنوز در مورد ساختار و ماهیت شعور توضیح قابل قبولی ارائه نشده است. فیزیکدانی به نام بل در سال ۱۹۶۴ نظریه‌ای ارائه نمود که بنا بر این نظریه، کادنات در یک میدان انرژی غوطه‌ور می‌باشد. اگر این تئوری درست باشد می‌توان شعور را همین میدان انرژی دانست.

قانون ۳: اولویت شعور کل

این قانون بیان می‌دارد که شعور کل یک سیستم بر شعور اجزای آن سیستم اولویت دارد و در بقای یک موجود اولویت با شعور کل است. بنابراین یک عضو از بدن وقتی می‌تواند به خوبی به کار خود ادامه دهد که شعور انسان هنجار باشد. البته شعور جزء نیز بر شعور کل اثر دارد ولی ناهنجاری شعور کل بسیار سریعتر می‌تواند منجر به ناهنجاری شعور اجزاء گردد.

قانون ۴: اندرکنش شعور-ماده و شعور-شعور

هر شعوری می‌تواند شعور دیگر و مادهٔ دیگر را متأثر نماید یا از

آنها متأثر شود. ناهنجاری شعور در یک عضو می‌تواند ارتباط بین این عضو و دیگر اعضاء را مختل سازد که در نتیجه شعور کل از حالت متعادل خارج خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت که جسم و شعور نسبت به یکدیگر تأثیر متقابل دارند که البته اثر شعور بر جسم اولویت خواهد داشت. در ضمن برای هر شعوری این امکان وجود دارد تا بتواند شعورهای دیگر را نیز تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال وقتی که اعمال کسی بر روی شما تأثیر می‌گذارد، در حقیقت این شعور او است که در حال اثر گذاشتن بر شعور شماست.

قانون ۵: رابطهٔ شعورها

تشکیل رابطهٔ شعوری بین چند عضو، نتیجهٔ سازگاری شعور آن اعضاء می‌باشد. برای مثال شما با کسانی دوست می‌شوید که همفکر شما هستند. اگر یک باکتری در کنار سلولی قرار بگیرد و انرژی آن زیاد باشد، سلول را متأثر خواهد کرد و چون از این به بعد سلول تحت تأثیر شعور باکتری می‌باشد، رفتار سلول تغییر خواهد کرد. اگر انرژی سلول بیشتر باشد، آنگاه دو حالت بوجود می‌آید، اگر شعور باکتری و سلول با هم هماهنگ باشد، باکتری در آن محیط رشد خواهد کرد وگرنه باکتری از سلول دور خواهد شد.

بنابراین می‌توان گفت از آنجا که شعور یک انسان سالم در حال تعادل قرار دارد، پس هیچ محرک خارجی نمی‌تواند بر روی آن اثر بگذارد. و اگر شعوری ناهنجاری داشته باشد، آنگاه در آن استعداد بیماری بوجود می‌آید و شعور محرکهای خارجی می‌تواند بر آن اثر بگذارد.

در اینجا بیماری را معلول دو علت می‌بینیم؛ ناهنجاری شعور و محرک خارجی. در پزشکی مدرن سعی در از بین بردن دومی می‌باشد، در حالتی که اولویت با اولی است و هموئوپاتی از این طریق وارد عمل می‌شود.

قانون ۶: اندرکنش شعور جزء با شعور کل

در اینجا تعریف جدیدی از ذهن با توجه به تئوری شعور بوجود می‌آید. ذهن نتیجهٔ اندرکنش شعور فرد با شعور کل می‌باشد و ذهن ناهنجار ناشی از یک شعور منحرف شده از حالت تعادل با شعور کل است. قبلاً گفته شده که علت بیماری انحراف شعور از حالت تعادل است، پس می‌توان ذهن را معیاری جهت سنجش بیماری و یا به عبارتی انحراف از سلامتی دانست.

قانون ۷: اصلاح شعور ناهنجار یا مداوای علت

هدف از مداوای یک سیستم بازگرداندن شعور آن به حالت تعادل می‌باشد. در اینجا بالاخره به نوع عملکرد هموئوپاتی در درمان بیماریها می‌پردازیم. پس از آنکه بدن بیمار شد، سیستم دفاعی آن علیه بیماری وارد عمل می‌شود تا شعور نا هنجار را متعادل کند. کاری که ما باید برای کمک به درمان بیماری انجام دهیم آن است که باید سیستم دفاعی را تقویت کنیم. ناهنجاری مربوط به شعور را می‌توان با شعور دیگری اصلاح نمود.

با توجه به این اصل ما سعی می‌کنیم از داروهایی استفاده کنیم که به آنها داروهای شعوری گفته می‌شود. این داروها به سیستم دفاعی کمک

می‌کنند تا بهتر وارد عمل شود، بدین منظور درصدد تشدید علائم مرض برمی‌آیند تا سیستم دفاعی بدن بتواند بهتر عکس‌العمل نشان دهد. پس چاره‌ای نیست مگر آنکه شعوری به بیمار داده شود که مشابه همان ناهنجاری است که بیمار از آن رنج می‌برد. یعنی هر ناهنجاری شعور، با شعوری مشابه قابل اصلاح است.

هموئوپاتی به معنای بیماری مشابه می‌باشد و دلیل این نامگذاری فلسفهٔ این روش می‌باشد که این فلسفه چنین است: هرآنچه که بتواند در شخص سالم علائمی از بیماری را بوجود آورد، می‌توان بیماریهایی با همان علائم را درمان کند.

تعدادی از کتب منتشر شده توسط انتشارات نسل نواندیش

- **مابردگان چه راه طولانی راپیموده ایم**: نلسون ماندلا و فیدل کاسترو/ علی مزرعتی
- **ستارگان و سرنوشت شما**: اِن ساها/ دکتر پروین بیات
- **ترس را تجربه کنیم**: سوزان جفرز/ فروزان گنجی زاده
- **اسرار ذهنی**: تایم لایف بوکس/ رخشنده عظیم
- **عامل علاءالدین** (جادوی موفقیت در زندگی): جک کنفیلد/ سهیلا رضوی
- **ده قانون انسان بودن**: شری کارتراسکات/ ژکیه موسوی
- **از سرعت زندگی خود بکاهید**: ریچارد کارلسون/ هاله موسوی رضوی
- **ماهایوگا** (رسیدن به روشن‌بینی): نارایاناآیر/ دکتر پروین بیات
- **خود مقدس شما**: وین دایر/ ناهید ایران‌نژاد
- **اصول کنترل استرس**: ورا پیفر/ دکتر آرین ابوک